



مسئله تراموای هسته‌ای: چگونه یک مرد هشت میلیارد نفر را گروگان گرفته است

جهان شاهد نسل‌کشی در غزه است. ده‌ها هزار نفر کشته شده‌اند. شهرهای کامل با خاک یکسان شده‌اند. کودکان در مقابل چشمان ماهواره‌ها و گوشی‌های هوشمند از گرسنگی رنج می‌برند.

با این حال، هیچ قدرت غربی مداخله نکرده است. نه تحریم، نه ممنوعیت تسلیحاتی، نه خطوط قرمز. فقط سکوت، تأخیر و استانداردهای دوگانه.

چرا؟ زیرا اسرائیل یک دولت یاغی مسلح به سلاح هسته‌ای است. زیرا بنیامین نتانیا‌هو ناپایدار است - و همه کسانی که در قدرت هستند این را می‌دانند. زیرا در پشت درهای بسته، اسرائیل به گزینه سامسون اشاره می‌کند - تهدیدی برای نابودی جهانی در صورت به تنگنا آمدن. و چون رهبران غربی وحشت‌زده‌اند.

این دلیل واقعی بی‌عملی است. این مسئله تراموای هسته‌ای است - نه یک آزمایش فکری، بلکه بحران اخلاقی زمان ما.

گزینه سامسون: باج‌خواهی هسته‌ای اسرائیل

گزینه سامسون دکترین روز قیامت اسرائیل است که از مدت‌ها پیش شایعه شده: اگر اسرائیل با شکست وجودی مواجه شود، “معبد را فرو خواهد ریخت” و جهان را با خود نابود خواهد کرد.

این دیگر صرفاً یک عامل بازدارنده نیست. این یک سلاح دیپلماتیک است.

بر اساس گزارش‌های متعدد اطلاعاتی (که ارزیابی‌هایشان توسط مقامات سابق اسرائیلی و آمریکایی نقل شده)، اسرائیل هرگز اقدامات ایمنی مورد انتظار از یک دولت هسته‌ای را اجرا نکرده است:

- بدون نظارت غیرنظامی
- بدون پروتکل پرتاب “دو کلید”
- بدون دکترین عمومی خویش‌شناری
- بدون بازرسی‌های خارجی یا نظارت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی

و بدتر از آن: اسرائیل بخش زیادی از زرادخانه خود را از طریق سرقت‌های مخفیانه به دست آورده، از جمله صدها کیلوگرم اورانیوم غنی‌شده که در دهه 1960 از تأسیسات آمریکایی منحرف شد. جهان این را می‌داند. و جهان از آن چشم‌پوشی می‌کند.

چرا؟ زیرا اسرائیل موضع خود را به وضوح بیان کرده است - به صراحت در دکترین خود و به طور ضمنی در دیپلماسی:

ما را متوقف کنید، شاید جهان را به پایان برسانیم.

نتانیا‌هو: یک مرد، یک دکمه

آژانس‌های اطلاعاتی غربی مدت‌هاست که بنیامین نتانیاهو را به عنوان فردی روان‌شناختی ناپایدار ارزیابی کرده‌اند - مردی که غرق در پارانویا، انتقام و خودحفاظتی است.

- او در حال حاضر تحت اتهام فساد قرار دارد
- او دولتی را رهبری می‌کند که پر از فاشیست‌ها و تئوکرات‌های آشکار است
- او بارها از زبان نابودی کتاب مقدس استفاده کرده است (مثلاً عمالک)
- او برای بقای سیاسی و قانونی خود می‌جنگد

دکترین امنیتی اسرائیل او را محدود نمی‌کند. زرادخانه هسته‌ای‌اش هیچ کنترل خارجی ندارد. و حامیان جهانی‌اش هیچ برنامه‌ای برای اتفاقاتی که ممکن است رخ دهد اگر او تصمیم به سوزاندن جهان بگیرد، ندارند.

این فرضی نیست. گزینه سامسون به یک سیاست واقعی تبدیل شده است - نه از طریق اعلام رسمی، بلکه از طریق تهدید دیپلماتیک.

پشت صحنه، دولت نتانیاهو تقریباً به یقین این پیام را به رهبران غربی منتقل می‌کند:

“ما فراتر از کنترل شما تشدید خواهیم کرد. دخالت نکنید.”

و آنها او را باور دارند. به همین دلیل است که نسل‌کشی را تحمل می‌کنند.

نسل‌کشی محافظت‌شده توسط تهدید هسته‌ای

رهبران غربی شک ندارند که اسرائیل مرتکب جنایات جنگی می‌شود. آنها باور ندارند که به طور متناسب عمل می‌کند. آنها می‌دانند که شواهد نسل‌کشی غیرقابل انکار است.

اما آنها همچنین می‌دانند که هرگونه مداخله جدی - تحریم‌ها، قطع تسلیحات، اجرای دیوان کیفری بین‌المللی - ممکن است نتانیاهو را به لبه پرتگاه سوق دهد.

او قبلاً: - غزه را با خاک یکسان کرده است

- کودکان را گرسنه نگه داشته است

- اردوگاه‌های پناهندگان، بیمارستان‌ها، روزنامه‌نگاران و کاروان‌های کمک‌رسانی را بمباران کرده است

- لبنان، سوریه و ایران را با تشدید تهدید کرده است

- دستورات دیوان بین‌المللی دادگستری را رد کرده و دیوان کیفری بین‌المللی را با تحقیر کنار زده است

و در تمام این مدت، ایالات متحده، آلمان، بریتانیا و دیگران چیزی جز فرار اخلاقی ارائه نداده‌اند.

زیرا آنها از انتقام هسته‌ای بیشتر از فروپاشی اخلاقی می‌ترسند.

این مصالحه نیست. این گروگان‌گیری در مقیاس سیاره‌ای است.

دولت یاغی، خطر جهانی

برخلاف هر قدرت هسته‌ای دیگر، اسرائیل در تاریکی عمل می‌کند:

- بدون تعهدات معاهده‌ای (بدون معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای)
- بدون بازرسی (بدون آژانس بین‌المللی انرژی اتمی)

- بدون اقدامات ایمنی (بدون PAL، بدون کنترل دوگانه)
- بدون نظارت (کنترل نظامی، نه غیرنظامی)
- بدون دکترین قانونی (سیاست رسمی اش سکوت است)

ایالات متحده، با وجود همه نقص‌هایش، همچنان نیازمند است:

- قانون دو نفره
- پیوندهای اقدام مجاز (PALs)
- پروتکل‌های DEFCON
- نظارت پنتاگون و کنگره

اسرائیل هیچ‌کدام از این‌ها را ندارد - و هرگز مجبور به اجرای آنها نشده است. در عوض، توسط افسانه استثنایی بودن اخلاقی و ترس از تلافی محافظت می‌شود.

این تنها دولت روی زمین است که می‌تواند به‌طور معتبر تهدید به جنگ هسته‌ای برای پاسخگویی کند - و باور شود.

مصالحه دوباره - نسل‌کشی بعدی از قبل ترسیم شده است

رهبران غربی کتاب بازی را می‌شناسند.

در دهه 1930، اروپا معتقد بود هیتلر متوقف خواهد شد. بعد از راینلند. بعد از اتریش. بعد از چکسلواکی. در هر مرحله، آنها **مصالحه** را انتخاب کردند، به امید اینکه بتوان از جنگ جلوگیری کرد اگر فقط کمی سرزمین بیشتر به او بدهند. او هرگز متوقف نشد.

امروز، همان منطق در کار است. رهبران غربی نابودی غزه را تماشا می‌کنند و دعا می‌کنند که آنجا پایان یابد. آنها می‌دانند که این‌طور نخواهد بود. و حالا، نتانیاهو تأیید کرده که این‌طور نخواهد بود.

“احساس می‌کنم در یک مأموریت تاریخی و معنوی هستم...
من به شدت به چشم‌انداز اسرائیل بزرگ پایبندم.”
- بنیامین نتانیاهو، ۱۲ اوت ۲۰۲۵، تایمز اسرائیل

“اسرائیل بزرگ” زبان شاعرانه نیست. این به صراحت به سرزمین‌هایی اشاره دارد که شامل تمام غزه، کرانه باختری و بخش‌هایی از اردن، مصر، سوریه و لبنان می‌شود. این گمانه‌زنی نیست. این دکترین ایدئولوژیک است - چیزی که نتانیاهو علناً تأیید می‌کند در حالی که یک جنگ نسل‌کشی را پیش می‌برد.

درست مانند دهه 1930، رهبران غربی وانمود می‌کنند که جاه‌طلبی‌ها متوقف خواهد شد. اما این‌طور نخواهد بود.

ترس از طریق داستان: چرا غرب نمی‌تواند اهرم را بکشد

رهبران غربی ترسیده‌اند - اما نه لزوماً از واقعیت. آنها از چیزی که در فیلم‌ها دیده‌اند می‌ترسند.

برای دهه‌ها، این یک اصل استراتژیک بوده که هرگونه تبادل هسته‌ای باعث نابودی کامل سیاره‌ای خواهد شد. این باور، که ریشه در دکترین جنگ سرد دارد، در فیلم‌هایی مانند WarGames (1983) بازتاب یافته است، جایی که یک پرتاب واحد به جنگ ترمونوکلئار جهانی منجر می‌شود.

اما دیگر این‌گونه نیست که جهان کار می‌کند - و اطلاعات غربی این را می‌داند.

پشت درهای بسته، اسرائیل توسط بسیاری از تحلیلگران دفاعی به عنوان یک عامل یاغی در نظر گرفته می‌شود - کسی که استفاده هسته‌ای‌اش احتمالاً محدود، محلی و تاکتیکی خواهد بود، نه آخرازمانی جهانی.

آنها همچنین از غبار رادیواکتیو می‌ترسند - تصاویری که از فیلم‌هایی مانند **On the Beach** (1959) گرفته شده است، جایی که یک تبادل هسته‌ای به انقراض حیات روی زمین منجر می‌شود.

اما باز هم، این ترس به شدت اغراق‌آمیز است.

حتی چندین حمله هسته‌ای محدود چیزی نزدیک به سطوح تابش جهانی ناشی از چرنوبیل را آزاد نمی‌کند.

این استراتژی نیست. این تئاور بازدارندگی غیرمنطقی است، که از طریق شرطی‌سازی سینمایی درونی شده و توسط یک دولت یاغی هسته‌ای بهره‌برداری می‌شود.

پسرفت: از تمدن به ترس

در ریشه خود، فلج جهان فقط سیاسی نیست. این روان‌شناختی است.

به عنوان یک گونه، ما در شرایطی تکامل یافتیم که تسلیم شدن به قدرت اغلب تفاوت بین بقا و نابودی بود. وقتی تهدید می‌شویم، غرایزمان به ما می‌گویند که با قوی‌ترین طرف باشیم - حتی وقتی آن قدرت به ناحق اعمال شود.

اسرائیل این را درک می‌کند. نتانیاهو از آن بهره‌برداری می‌کند.

با احاطه کردن خشونت جمعی با هاله‌ای از شکست‌ناپذیری - سلاح‌های هسته‌ای، حمایت آمریکا، توجیه کتاب مقدس - اسرائیل یک پاسخ تکاملی عمیق را برمی‌انگیزد: به قوی مقاومت نکن. تسلیم شو. زنده بمان.

اما پیش‌فرض تمدن این است که این غریزه را نادیده بگیریم.

تمدن برای این وجود دارد که بگوید:

< نه. قدرتمندان حق ندارند بدون مجازات بکشند. ضعیفان دوراندختنی نیستند.

هر بار که یک رهبر به جای حمایت از قانون بین‌المللی به قدرت اسرائیل تسلیم می‌شود، او اطاعت قبیله‌ای را به جای اصل جهانی انتخاب می‌کند.

اسرائیل فقط یک ملت را نمی‌کشد. این ایده‌ای که قدرتمندان می‌توانند مهار شوند را می‌کشد.

انتخاب کاپیتان: اخلاق بر ترس

در استار ترک: وویجر، قسمت اول “مراقب” با این پایان می‌یابد که کاپیتان جین‌وی مواجه با یک انتخاب وحشتناک است: اجازه دادن به خدمه‌اش برای بازگشت ایمن به خانه - یا نابود کردن تنها راه بازگشت برای محافظت از یک گونه بیگانه آسیب‌پذیر از نابودی.

او دومی را انتخاب می‌کند. او اصل را بر ایمنی ترجیح می‌دهد، با علم به اینکه این کار برای مردمش همه چیز را هزینه خواهد داشت.

کاپیتان‌های استارفلیت - کرک، پیکارد، جین‌وی - همیشه به عنوان نمادهای شجاعت اخلاقی ایستاده‌اند. بارها و بارها، آنها کشتی‌هایشان، خدمه‌هایشان، حتی خودشان را به خطر می‌اندازند - نه برای سود، نه برای ملی‌گرایی، نه برای امنیت.

بلکه به این دلیل که این کار درست است.

این دستور کانت است:

< “فقط طبق آن اصلی عمل کن که بتوانی همزمان بخواهی که به یک قانون جهانی تبدیل شود.”

به عبارت دیگر: آنچه از نظر اخلاقی درست است را انجام بده، صرف‌نظر از هزینه.

این چیزی است که رهبران ما انجام نمی‌دهند.

و با این کار، آنها نه تنها اجازه نسل‌کشی می‌دهند. آنها ایده اخلاق به عنوان راهنمای عمل را رها می‌کنند.

فراخوان برای اقدام: صحبت کن، فشار بیاور، از تسلیم شدن امتناع کن

سکوت نکنید. درباره غزه صحبت کنید. به جهان یادآوری کنید که آنچه در جریان است یک “مناقشه” نیست - این نابودی سیستماتیک یک جمعیت محصور است، در برابر دیدگان تاریخ.

به فشار آوردن به دولت‌هایتان ادامه دهید. به آنها بفهمانید که شما از پشت سکوتشان می‌بینید، که می‌فهمید آنها واقعاً از چه می‌ترسند - نه تشدید، نه تروریسم، بلکه باج‌خواهی هسته‌ای اسرائیل.

بله، گزینه سامسون واقعی است. بله، نتانیاهو ناپایدار است. بله، رهبران جهان از آنچه ممکن است رخ دهد اگر با او روبرو شوند می‌ترسند.

اما ما موظف نیستیم ارزش‌هایمان را به تهدیدات تروریستی تسلیم کنیم - نه از گروه‌های یاغی، و نه از دولت‌های یاغی.

اگر اجازه دهیم باج‌خواهی هسته‌ای یک بار موفق شود، دوباره موفق خواهد شد. و اگر حالا سکوت کنیم، این سکوت را برای همیشه حمل خواهیم کرد.

برای داشتن قدرت نیازی به در قدرت بودن نیست. - از صدايت استفاده کن

- از رأيت استفاده کن

- از پل‌تفرمت استفاده کن

- از وجدانت استفاده کن

تمدن در لحظات بزرگ دفاع نمی‌شود. در انتخاب روزانه برای گفتن حقیقت دفاع می‌شود، حتی وقتی خطرناک است. به‌ویژه وقتی خطرناک است.

نسل‌کشی باید متوقف شود. باج‌خواهی باید فاش شود. و جهان باید به خاطر بیاورد که ایستادن برای چیزی به چه معناست.

زیرا غزه فقط یک میدان نبرد نیست. این یک آینه اخلاقی است - که دقیقاً به ما نشان می‌دهد که چه کسی هستیم. و چه کسی مایلیم بشویم.